

ساختار مفهومی سلامت معنوی در منابع اسلامی (قرآن و نهج- البلاغه)

مصطفی اسماعیلی*^۱، مهدی فانی^۱، مرضیه کرمخانی^۲

۱- گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲- دانشکده‌ی آموزش پزشکی، مرکز مطالعات دین و سلامت، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

مکاتبات خطاب به آقای مصطفی اسماعیلی؛ پست الکترونیک: mos.esmaeili@sbmu.ac.ir

اطلاعات مقاله

دریافت: ۱۴ شهریور ۹۵

دریافت متن نهایی: ۱ آبان ۹۵

پذیرش: ۱۲ آبان ۹۵

نشر الکترونیکی: ۱۱ دی ۹۵

واژگان کلیدی:

سلامت مذهبی

سلامت معنوی

سلامت وجودی

قرآن

نهج‌البلاغه

چکیده

سابقه و اهداف: از زمان مطرح شدن سلامت معنوی در عرصه‌ی سلامت، پژوهشگران نتوانسته‌اند به مفهومی واحد از آن دست یابند؛ به طوری که حتی در میان پژوهشگران یک دین و فرهنگ هم در این باره اختلاف نظر وجود دارد. از این رو، شایسته است ساختار مفهومی سلامت معنوی از دیدگاه دین مبین اسلام بررسی شود تا بتوان به تعیین شاخص‌های آن اقدام کرد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش از نوع تحلیلی - توصیفی است که برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای آشکار و ضمنی؛ و برای استخراج ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی در متون دینی اسلام (قرآن و احادیث)، از بررسی محتوایی آیه‌ها و روایت‌های مطرح شده درباره‌ی سلامت معنوی استفاده شده است. این پژوهش تمام موارد اخلاقی مرتبط را رعایت نموده است.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش عبارت است از نسبی بودن سلامت معنوی، مقدمه بودن سلامت معنوی، جامعیت و اصالت مفهوم سلامت، برتری رتبه‌ی سلامت معنوی، سه- بُعدی بودن مفهوم سلامت معنوی (نگرشی، عاطفی و رفتاری)، پیوستگی ابعاد مختلف سلامت با سلامت معنوی، تأثیر متقابل این ابعاد بر یکدیگر، غایت‌محور بودن سلامت معنوی و اینکه در اسلام، سلامت وجودی لازمه‌ی سلامت مذهبی است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها نشان می‌دهد که بدون توجه به ساختار مفهومی سلامت معنوی نمی‌توان به مفهومی روشنی از آن دست یافت و شاخص‌های آن را تعریف کرد. ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی حتی در محتوای آن از نگاه اسلام نیز نقش‌آفرینی می‌کند. این تأثیر به حوزه‌ی آموزش و درمانگری معنوی نیز کشیده خواهد شد.

استناد مقاله به این صورت است:

Esmaili M, Fani M, Karamkhani M. The Conceptual Framework of Spiritual Health in Islamic Resources (the Quran and Nahj al-Balagha). J Res Relig Health. 2017;3(1): 91- 101.

عنوان نوظهور سلامت معنوی با ریشه‌ی مفهومی عمیق
در معرفت دینی، اصطلاحی پرکاربرد و در عین حال

مقدمه

قرآن (سوره‌ی انشقاق) می‌فرماید: «ای انسان، حقا که تو به- سوی پروردگار خود به‌سختی و (رنج) در تلاشی و او را ملاقات خواهی کرد»^۲ (۳). در توضیح کلمه‌ی «کدح» که به «رنج» ترجمه می‌شود، گفته شده کدح یعنی تلاش کردن و خسته شدن (۴)، که اثر آن ظاهر شود (۵)؛ و نیز کسب و تلاش همراه با مشقت و آسیب (۶). در این کلمه، معانی حرکت مداوم و سیر، تلاش و رنجوری و آسیب نهفته است (۷).

این آیه و همچنین آیه‌ی ۴ سوره بلد^۳ (۸)، به اصلی اساسی در زندگی همه‌ی انسان‌ها اشاره دارد و آن اینکه زندگی دنیا همواره آمیخته با زحمت و تعب است؛ حتی اگر هدف رسیدن به متاع دنیا باشد، تا چه رسد به اینکه هدف آخرت و سعادت جاویدان و قرب پروردگار باشد. «این طبیعت زندگی دنیا است حتی افرادی که در نهایت رفاه زندگی می‌کنند نیز از رنج و زحمت و درد بر کنار نیستند. تعبیر ملاقات پروردگار، خواه اشاره به ملاقات صحنه‌ی قیامت باشد، که صحنه‌ی حاکمیت مطلقه‌ی اوست، یا ملاقات جزاء، پاداش و کیفر او یا ملاقات خود او از طریق شهود باطن، نشان می‌دهد که این رنج و تعب تا آن روز ادامه خواهد یافت و زمانی به پایان خواهد رسید که پرونده‌ی این دنیا بسته شود و انسان با عمل پاک، خدای خویش را ملاقات کند» (۹). بنابراین، سلامت حقیقی از نگاه قرآن فقط در بهشت اتفاق می‌افتد، زیرا بقای بدون فنا، غنای بدون فقر، عزت بدون ذلت و صحت بدون مرض در آنجا رخ خواهد داد. همچنان که خداوند سبحان فرموده است: «و برای ایشان در نزد پروردگارشان خانه‌ی سلامت است»^۴ (۱۰)؛ و نیز «و خداوند به سرای سلامت فرا می‌خواند»^۵ (۱۱). پر واضح است رنجی که انسان در زندگی برای سعادت جاوید و رستگاری می‌کشد، رنجی معنادار و تحمل‌شدنی و برای انسان هدف‌دار، رنجی گوارا است.

یکی درد و یکی درمان پسندد

یکی وصل و یکی هجران پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

پسندم آنچه را جانان پسندد

مقدمه بودن سلامت در دنیا

نکته‌ی دیگر، سلامت در دنیا و نسبت آن با سلامت در آخرت،

^۲ يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ.

^۳ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ.

^۴ هُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ يُؤْتِيهِمْ مِمَّا كَانُوا يَسْتَمْلُونَ.

^۵ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

بحث‌برانگیز است که در دهه‌های اخیر جانی تازه گرفته، چندان‌که ضرورت آن، ساحت حوزه‌ی سلامت را به خود معطوف کرده است. این مفهوم که معرف درهم‌تیندگی بعدها‌ی مختلف سلامت آدمی است و بعد چهارم سلامت نیز شناخته می‌شود، پس از آنکه در سال ۱۹۷۹، توجه سازمان بهداشت جهانی را به‌خود جلب کرد، در پس ظاهر آرام آن تنش بسیاری بر سر تبیین تعریف، مبانی، شاخص‌ها و مصداق‌های آن به‌وجود آمده است (۱). از زمانی که موبرگ^۱ (۱۹۷۱م) مفهوم سلامت معنوی را مطرح کرده تاکنون، تعریف‌های متعددی در مورد این مفهوم بیان شده است (۲). باوجوداین، هنوز تعریف واحدی از آن وجود ندارد. از آنجا که سلامت معنوی خواه ناخواه با دین ارتباط پیدا می‌کند و دین مبین اسلام که جامع‌ترین دین محسوب می‌شود، جایگاه خاص خود را دارد، ضروری است درباره‌ی ساختار مفهومی سلامت معنوی از نظر منابع اسلامی (قرآن و نهج‌البلاغه) پژوهش و واکاوی صورت بگیرد، تا سلامت معنوی بتواند در کاربردی کردن شاخص‌های خود و همچنین درمانگری معنوی بر اساس اصول اسلامی و در نهایت تدوین برنامه‌ی آموزشی، اثربخش باشد.

مواد و روش‌ها

این پژوهش از نوع تحلیلی- توصیفی است که برای تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای آشکار و ضمنی؛ و برای استخراج ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی در متون دینی اسلام (قرآن و احادیث)، از بررسی محتوایی آیه‌ها و روایت‌های مطرح شده درباره‌ی سلامت معنوی استفاده شده است. برای تأیید درستی داده‌ها، سعی شده از شواهد قرآن و حدیث‌های معتبر استفاده شود.

یافته‌ها

ساختار مفهوم سلامت در متون اسلامی

نسبی بودن سلامت در دنیا

از نگاه قرآن سلامت در دنیا مطلق و خالص نیست و با درد و رنج همراه است. این آمیختگی سلامت به درد و رنج در دنیا مقتضای حیات مادی و جسمانی است که عالم تزاخم، حرکت و خروج از قوه به فعل فرسایش جسم است. خداوند متعال در

^۱ He Mvbrg

الف- خداوند منشأ سلامت تکوینی

خداوند متعال انسان را به بهترین شکل و موقعیت آفریده، آن-چنان که پس از آفرینش انسان به خود آفرینش گفته است. این نظام احسن و آفرینش بی‌عیب، هم در آفرینش انسان^۵ (که در آیه ۱۴ سوره‌ی مؤمنون، بدان اشاره کرده است) (۱۶) و هم در آفرینش جهان هستی، محقق شده است؛ چنان که در سوره-ی ملک فرموده: «هم او که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید، در آفرینش آن [خدا] بخشایشگر هیچ‌گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی، باز نگاه کن آیا خلال و نقصانی می‌بینی؟ باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و درمانده به‌سوی بازگرد»^۶ (۱۷).

نظام موجود که دربرگیرنده‌ی جهان هستی و انسان است، نظام احسن محسوب می‌شود؛ زیرا معلول مشیتهی است که از علم، قدرت و حکمت مطلق و بی‌نهایت برخوردار است. بنابراین، این آفرینش در نهایت هماهنگی و وفاق بین اعضا و اجزای آن آفریده شده است. به همین دلیل است که نظام خلقت خداوندی، نظام سلامت است.

ب- خداوند منشأ سلامت تشریحی

بعد دوم سلامت که از خداوند متعال ناشی می‌شود، سلامت تشریحی است. قرآن می‌فرماید: «... به‌درستی که فقط هدایت خداوند، هدایت [واقعی] است»^۷ (۱۸). از آنجا که انسان از یک سو به‌دلیل نقص در دانش و معرفت (چنانکه آفریدگار او فرموده: «و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است»^۸ (۱۹)) که می‌توان از آن به کاستی در مقتضی یاد کرد) و از سویی دیگر به‌دلیل وجود عامل‌هایی که بازدارنده‌ی او از کمال است، مثل نفس امّاره، که همواره انسان را به بدی‌ها سوق می‌دهد^۹ (۸)؛ و در راه هدایت بشری مانع است، به راهنمایی الهی برای جبران نقص در دانش و رهایی از آفت بازدارنده‌ی تمایل‌های بشری در راه‌هایی به‌سوی حقیقت برای رسیدن به کمال مطلوبی که خداوند در آفرینش او قرار داده است، نیاز دارد. بنابراین، آنچه حضرت حق در قالب وحی برای بشر از طریق پیامبران اولوالعزم (صاحب شریعت) فرستاده، برای تأمین این سلامت است.

از نگاه قرآن است؛ همان‌گونه که حیات دنیا مقدمه‌ی حیات آخرت است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «این زندگی جز بازی و سرگرمی نیست و اگر بدانند، سرای آخرت سرای زندگانی است»^۱ (۱۲)؛ سلامت در دنیا نیز مقدمه‌ی سلامت در آخرت است و در حقیقت سلامت واقعی در دنیا سلامتی است که به سلامت در آخرت منجر شود، در غیر این صورت، سلامت واقعی نیست و مقدمه‌ی بدون ذی‌المقدمه و فقط صورتی از سلامت خواهد بود. همان‌طور که حیات در دنیا نیز اگر به حیات سعادت‌مند در آخرت منجر نشود و جنبه‌ی مقدمه‌بودن آن محقق نگردد و خود تبدیل به هدف شود، در آن خیر و سعادت نخواهد بود. چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید: «همنان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند، آنان در گمراهی آشکار هستند»^۲ (۱۳). به همین دلیل اگر در حیات دنیا، برای وصول به حیات سعادت‌مند در آخرت، برنامه‌ریزی وجود نداشته باشد، این حیات از نگاه قرآن گمراهی آشکار و دوری از راه حقیقت است. به همین دلیل، می‌توان گفت ارزش حیات دنیا و آنچه در آن است، می‌تواند در قیاس با آخرت ارزش‌گذاری شود. سلامت در دنیا هم این‌گونه است؛ و این سلامت زمانی ارزشمند است که انسان را به دارالسلام حقیقی در آخرت برساند که در مسیر زندگی جاوید بشر است.

اصالت مفهوم سلامت معنوی

قرآن کریم در آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی حشر، یکی از نام‌های مقدس خداوند را «سلام» خوانده است. بر اساس این آیه، خداوند هم سلامت است، یعنی از هرگونه نقص و عیبی مبرا است؛ هم سلامت‌بخش؛ زیرا هر آنچه از خدا ناشی می‌شود بی‌عیب و -نقص؛ و خیر و سلامت است. همچنین در آیه‌ی ۲۶ سوره‌ی آل-عمران آمده است: «و تو فرمانروای مطلق و به دست توست هر خیری؛ و تو بر هر چیز توانایی»^۳ (۱۴)؛ و نیز در سوره‌ی نساء می‌فرماید: «هر چه از خوبی‌ها به تو می‌رسد از جانب خداست و آنچه از بدی به تو می‌رسد از خود توست»^۴ (۱۵). سلامتی که از جانب حضرت حق می‌رسد از دو جنبه است؛ یکی از جنبه‌ی تکوین و آفرینش؛ و دیگری از جنبه‌ی تشریح و قانونگذاری.

^۵ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّفْسَ الْعَلَقَةَ فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَيَّرَكُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ.

^۶ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَانِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورِهِمْ رِجْعَ الْبَصَرِ كَثْرَيْنَ نَقَلَبَ إِلَيْكَ الْبَصَرَ خَائِبًا وَ هُوَ خَبِيرٌ.

^۷ لَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَ لَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهُدَى وَ لَئِنْ اتَّبَعَتْ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ.

^۸ وَ مَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا.

^۹ إِنْ التَّمْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ.

^۱ وَ مَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنْ الدَّارُ الْآخِرَةُ لَهي الْحَيَاةُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ.

^۲ الَّذِينَ يَسْتَجِيبُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ يُصَدِّدُونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَتَّبِعُونَ عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ.

^۳ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَ تَنزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَ تُعْزِزُ مَنْ تَشَاءُ وَ تُدْءِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِإِذْنِكَ الْحَزْمُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

^۴ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ.

معنوی هم توجه کرده و از امراض معنوی پرهیز می‌دهد؛^۶ نگاهی یکپارچه به حقیقت وجودی انسان نیز دارد و انسان را حقیقتی واحد می‌پندارد که دارای مراتب وجودی متعدد است و به تبع آن بُعدهای سلامتی گوناگونی دارد. اما این به معنی جدا بودن این بُعدها از یکدیگر نیست، بلکه این بُعدها به هم پیوسته‌اند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و همگی مصداق همان سبب‌السلامی هستند که قرآن کریم به آن اشاره کرده است. در همین مورد، امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) در نهج‌البلاغه سخن بسیار زیبایی در پیوستگی بُعدهای مختلف سلامتی انسان دارند، که می‌فرماید: «همانا تندرستی تن تقوای دل است»^۷ (۲۵). همچنین می‌فرماید: «شگفتا که حسودان از سلامت جسم غافل‌اند»^۸ (۲۵) و روایتهایی مانند: «با ایمان به سوی عمل صالح، هدایت صورت می‌گیرد و با عمل صالح به سوی ایمان»^۹ (یعنی با عمل صالح ایمان تقویت می‌شود و با ایمان هدایت به سوی عمل صالح تحقق می‌پذیرد) (۲۵)؛ که شدت به هم پیوستگی ابعاد مختلف سلامت انسان را می‌رساند و این حقیقت در قرآن هم به وضوح مشاهده می‌شود. بر اساس جستجویی که نگارنده در قرآن کریم کرده است، ۵۲ بار بعد از واژه «آمنوا»، بدون فاصله واژه «عملوا الصالحات» آمده؛ که پیوستگی ایمان و عمل صالح را می‌رساند. منابع اسلامی گویای این مطلب است که، اهمیت سلامت به ترتیب از سلامت جسمانی به سوی سلامت معنوی سوق پیدا می‌کند. شیخ طوسی در امالی از حضرت علی (ع) نقل می‌کند که می‌فرماید: «یکی از گرفتاری‌ها تنگ‌دستی است، سخت‌تر از آن ناتندرستی و سخت‌تر از آن بیماری دل؛ و یکی از نعمت‌ها توانمندی مالی و برتر از آن تندرستی و بهتر از آن تقوای دل‌ها است»^{۱۰} (۲۶).

همچنین امام باقر (علیه‌السلام) در وصیتش به جابر جعفی می‌فرماید: «بدان که هیچ دانشی چون جستن [دانش] سلامت نیست و هیچ سلامتی چون سلامتی دل نیست»^{۱۱} (۲۷). دلیل اهمیت و برتری سلامت قلب نسبت به سلامت جسم از آن جهت است که آنچه در زندگی جاوید انسان دارای اثر ماندگار است، سلامت قلب و روح است. سلامت جسم، مادامی دارای اهمیت است که جسم با روح همراه باشد و سلامت جسم

خداوند تبارک و تعالی درباره‌ی سلامت تشریحی در سوره‌ی مائده می‌فرماید: «خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله‌ی آن [قرآن] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود و به توفیق خویش آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راه راست هدایتشان می‌کند»^{۱۲} (۲۰).

در این آیه صفت «سلام» که برای راه‌های هدایت به سوی خداوند ذکر شده، مطلق و بدون قید است، تا بفهماند راه او از هر نوع شقاوت و محرومیتی که امر سعادت زندگی دنیایی و آخرتی را مختل می‌کند، خالی است.

جامعیت مفهوم سلامت

سلامتی که در قرآن و حدیث بدان پرداخته شده، سلامتی همه جانبه است؛ به این معنی که به همه‌ی بُعدهای سلامت از جمله سلامت جسمی^{۱۳} (۲۱)، روانی^{۱۴} (۲۲)، اجتماعی^{۱۵} (۲۳) و معنوی^{۱۶} (۲۴)، توجه کرده است. به گونه‌ی که تأمین‌کننده‌ی بُعدهای گوناگون سلامت است؛ و این احتمال دور از ذهن نیست که یکی از کاربردهای واژه‌ی «سبب‌السلام»، به صورت جمع، در سوره‌ی مبارکه‌ی مائده، علاوه بر راه‌های مختلف سلامت، اشاره به بُعدهای گوناگون سلامت نیز باشد. از نگاه اسلام، انسان موجودی چند پاره نیست، بلکه حقیقتی واحد است که دارای بُعدهای وجودی گوناگونی است که این بُعدها به هم پیوسته است؛ و به همه‌ی بُعدهای سلامت او توجه می‌شود، هرچند اهمیت همه‌ی بُعدهای سلامت یکسان نیست، که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

دیدگاه متون دینی اسلامی نسبت به سلامت، در عین اینکه به بُعدهای مختلف سلامت توجه می‌کند، (چنانکه به سلامت جسم دعوت می‌کند و آموزه‌هایی برای تحقق سلامت جسم دارد و در مورد خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها دستورهایی دارد و به روایت‌هایی که به نظافت بدن، مسواک زدن، رعایت اعتدال در خوردن و موارد دیگر تأمین‌کننده‌ی سلامت جسم، اشاره دارد؛ به سلامت روان نیز توجه کرده و به مواردی از قبیل پرهیز از یأس و ناامیدی، روشن‌بینی و امیدواری توصیه می‌کند؛ همچنین به سلامت در ارتباط‌های اجتماعی مانند پرهیز از تکبر، فروتنی در برخورد با دیگران و پیوند برادری در جامعه؛ و نیز به سلامت

^۱ يَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَ يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ يَٰۤاٰدِيۤهٖ وَ يَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ.

^۲ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا اِنَّهٗ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِيۡنَ؛ يٰۤاٰدِيۤهٖمُ الطَّيِّبَاتِ وَ يَحْزَمْنَ عَلَيۡهِنَّ الْحَبِيۡثَ.

^۳ لَا تَاۡمِنُوۡا بِرُۤوْحِ اللّٰهِ اِنَّهٗ لَا يَأۡمِنُ مَن رَّوَّحَ اللّٰهُ اِلَّا الَّذِيۡنَ اٰلَمُوۡا بِالْكَافِرِيۡنَ.

^۴ وَ عِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِيۡنَ يُمْسِكُوۡنَ عَلٰى الْاَرْضِ هُوۡنًا وَّ اِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُوۡنَ قَالُوۡا سَلَامًا.

^۵ مَن يَتَّوَكَّلْ عَلٰى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ.

^۶ اِنَّ مِّنْ صِبۡغَةِ الْبَدَنِ تَقْوٰى الْقَلۡبِ (نهج‌البلاغه، قصار ۳۳۸).

^۷ الْعَجَبُ لِعَقَلَةِ الْحَسَادِ عَنِ سَلَامَةِ الْاُجْسَادِ (نهج‌البلاغه، قصار ۲۲۵).

^۸ ... فَيَاۡاَيۡمَانَ يَسْتَدِلُّ عَلٰى الصّٰلِحَاتِ... (نهج‌البلاغه، خطبه‌ی ۱۵۵).

^۹ و ان من البلاء الفاقة و أشد من الفاقة مرض البدن و أشد من مرض البدن مرض القلب ألا و ان من النعم سعة المال و أفضل من سعة المال صحة البدن و أفضل من صحة البدن تقوى القلب.

^{۱۰} واعلم انه لا علم كطلب السلامة و لاسلامة كسلامة القلب.

فرزندان که از سرمایه‌های دنیا محسوب می‌شوند، در زندگی پس از دنیای انسان سودی ندارد و همه‌ی سرمایه‌های اعتباری که در دنیا اثربخش بودند، از مالکیت‌ها و نسبت‌ها، در آن روز یعنی روز قیامت بی‌اثر می‌شوند»^۲ (۲۹). تنها عامل مؤثر رستگاری در آن روز، سلامت قلب و روح است، چراکه مدار سودمندی و سعادت در آن روز بر سلامت قلب است، چه اینکه صاحب آن قلب در دنیا مال و فرزندی داشته باشد یا نداشته باشد.

ساختار سه بُعدی سلامت معنوی

ساختار مفهوم سلامت معنوی در متون اسلامی منشوری سه بُعدی را مقابل دیدگان ما قرار می‌دهد. سلامت معنوی در اسلام به‌ترتیب مبتنی بر اندیشه و عواطف سالم و رفتاری مبتنی بر عواطف و اندیشه‌ی سالم است، که مجموعه‌ی آن سلامت کامل را تشکیل می‌دهد. در این منشور سه وجهی، اندیشه‌ی سالم جنبه‌ی زیربنایی دارد و عواطف سالم از اندیشه‌ی سالم بر می‌خیزد «الذین آمنوا أشد حبا لله»^۳ (۳۰). بر همین مبنا، در اسلام سلسله‌ی اعتقادات، اصول نامیده شده و اعمال و رفتار، فروع شمرده شده است و قرآن نیز نخست به توحید در عقاید، سپس به توحید در عمل دعوت کرده است. عمل هر کسی ناشی از فکر، اندیشه و انگیزه‌ی او است «قل کل يعمل علی شاکلته». حضرت علی (علیه‌السلام) در نخستین خطبه‌ی نهج‌البلاغه می‌فرماید: «اول الدین معرفتة...»؛ اصل و آغاز دین و روش زندگی دینی، معرفت و شناخت خداوند است (خ/۱). همچنین در خطبه‌ی ۱۵۵ می‌فرماید (بالایمان یستدل علی الصالحات...؛ با ایمان، انسان به‌سوی عمل صالح هدایت می‌شود. امام (علیه‌السلام) در جای دیگر می‌فرماید: خدا شما را بیامزد، اعمال نیکو را بر اساس نشانه‌های روشن، (اعملوا رحمکم الله علی اعلام بینة...، یعنی بر اساس فهم صحیح، انجام دهید. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که اسلام نه با کسانی که فقط به عمل توجه می‌کنند و به عقاید و افکار کاری ندارند، موافق است؛ نه با کسانی که همه چیز را عقیده و فکر می‌دانند و به عمل اهمیت نمی‌دهند.

شمول سلامت مذهبی بر سلامت وجودی

با توجه به اینکه برخی سلامت معنوی را مرکب از سلامت مذهبی و سلامت وجودی می‌دانند، گبلر^۴ (۳۱)، ارتباط انسان

بر سلامت روح اثرگذار باشد؛ اما پس از مفارقت روح از جسم، سلامت جسم هم بقایی ندارد و با پایان یافتن حیات جسم، سلامت جسم نیز اهمیتش را از دست می‌دهد و از بین می‌رود. وقتی مرگ انسان فرا می‌رسد و حیات مادی او خاتمه می‌یابد و جسمش به خاک می‌پیوندد؛ مقوله‌ی سلامتی و بیماری جسمی او هم به پایان می‌رسد، اما روح او به حیاتش ادامه می‌دهد و همچنان درگیر پیامدها و عواقب مسئله‌ی سلامت معنوی خواهد بود.

غایت‌محور بودن سلامت

از ویژگی‌های مهم سلامت در قرآن، غایت‌محور بودن آن است. منظور از غایت‌محور بودن این است که قرآن، سلامت در دنیا را برای تحقق غایت و نتیجه‌ی خاص می‌خواهد. به عبارت دیگر سلامت برای سلامت اهمیتتی ندارد؛ بلکه سلامت در دنیا برای رسیدن به دارالسلام و برخورداری از رحمت الهی و وصول به سعادت است. غایت‌محور بودن به مفهوم سلامت، وحدت و انسجام می‌دهد؛ به‌طوری که همه‌ی مراتب سلامت دارای جهت و غایت واحدی می‌شود. به همین علت می‌توان همه‌ی بُعدهای سلامت را حول یک محور واحد معنا و تعریف کرد.

بر این اساس، اصولاً حالت و وضعیتی که تأمین‌کننده‌ی این غایت باشد حاکی از سلامت است. بنابراین، سلامت و یا نداشتن سلامت، با غایت آفرینش انسان معنا پیدا می‌کند. هر کنش و واکنشی که به این غایت نینجامد مفهوم واقعی سلامت را نخواهد داشت. به‌طور خلاصه معیار سلامت از نگاه قرآن، با غایت، مفهوم می‌یابد.

خداوند در سوره‌ی مائده، سلامت جسم، عقل و اعتقاد را که با اجتناب از شرب خمر و دوری از قمار و عقاید باطل تأمین می‌شود، برای رسیدن به غایت فلاح و رستگاری معرفی می‌کند. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب، قمار، بت‌ها و تیرهای قرعه پلید و از عمل شیطانند؛ پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید»^۱ (۲۸).

این آیه انسان‌های مؤمن را از علل برخی از بیماری‌ها که هم عامل بیماری‌های جسمی و هم عامل بیماری‌های فکری و قلبی است، برحذر می‌دارد تا سلامت جسم، روح و قلب انسان آسیب نبیند و با تأمین سلامت، انسان به رستگاری برسد. رستگاری و فلاح، غایت و هدفی است که در این آیه برای سلامت و دوری از عوامل بیماری‌زا معرفی شده است.

همچنین در سوره‌ی شعراء می‌فرماید: «روزی که مال، اموال و

^۲ يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَ لَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ؛

^۳ وَمَنْ النَّاسُ مِنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرْوُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْفُؤَادَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ.

^۴ Gabler

۱ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ وَ الْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛

را فیض و آیت خدا دیدن است که برخاسته از بینش توحیدی اسلامی است. در این دیدگاه همه چیز در جهان ماهیت از اویی و به سوی اویی دارد (۳۵ و ۳۸). آیه‌های ۲۱۰ و ۲۸۱ سوره بقره، آیه ۵۶ سوره یونس، آیه ۱۰۹ سوره آل عمران و ده‌ها آیه دیگر بر اساس همین آموزه‌ها، ویژگی‌هایی چون نظام حقانی جهان، هدفمندی نظام آفرینش و حکیمانه بودن آفرینش را در بر دارد که کیفیت رابطه‌ی انسان با هستی و طبیعت را ارتقا خواهد داد. این نوع ارتباط با طبیعت صرفاً رابطه‌ی انتفاعی را تعقیب نخواهد کرد؛ بلکه این رابطه بر اساس محبت بین انسان و خالقش پایه‌ریزی خواهد شد؛ چنانکه متفکران صاحب نام این عرصه، امروزه بحران‌های زیست بوم بشر را ناشی از دوری از این تفکر و راه حل این بحران را نیز بازگشت به نگرش معنوی درباره‌ی محیط زیست می‌دانند. یکی از متفکران بین‌المللی و مسلمان در این باره می‌گوید: بحران زیست بومی تنها جلوه‌ی بیرونی نوعی رخوت و ضعف باطنی است و بدون نوزایی معنوی انسان غربی، حل شدنی نیست. امید است انسان اصلاح واقعی خویش را که همواره به معنای نوزایی معنوی است، آغاز کند و از رهگذر این نوزایی با جهان پیرامون و طبیعت سازگاری تازه‌ی یابد (۳۹). بنابراین، از نگاه آموزه‌های اسلام، سلامت معنوی با سلامت مذهبی برابر است؛ همچنین سلامت مذهبی شامل سلامت وجودی نیز است و این دو مقوله از هم جدا نیستند.

بحث

پژوهش‌های صورت گرفته در حوزه‌ی سلامت معنوی، نخست، پژوهش‌هایی است که در آنها تلاش شده تا مسئله‌ی مفهوم-شناسی سلامت معنوی بررسی شود. در این بخش برای نمونه می‌توان به کتاب «سلامت معنوی از دیدگاه اسلام» نوشته‌ی آقای دکتر مجتبی مصباح و همکاران، اشاره کرد که در دو بخش و پنج مبحث نوشته شده است. نویسنده در مبحث اول به مفهوم‌شناسی سلامت معنوی پرداخته که در آن ضمن پرداختن به مفهوم سلامت، معنویت و سلامت معنوی، پس از طرح دیدگاه دانشمندان مغرب زمین؛ به سلامت از دیدگاه دانشمندان اسلامی می‌پردازد و سلامت معنوی را تعریف می‌کند، بدون آنکه ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی را توضیح دهد. اما می‌توان ادعا کرد تعریفی که از سلامت معنوی در کتاب بیان شده در ساختار تعریف شده‌ی این تحقیق می‌گنجد (۴۰). کتاب دوم «سلامت معنوی؛ چپستی، چرایی و

با قدرت مافوق و خدا را سلامت مذهبی؛ و ارتباط با دیگران و محیط و طبیعت را سلامت وجودی می‌نامد. از نگاه اسلام، بُعدهای وجود انسان از یکدیگر جدا نیست و نمی‌توان بین آنها تفکیک قائل شد. این تفکر مبتنی بر نوعی سکولاریسم است. در متون دینی اسلام، سلامت وجودی (ارتباط با دیگران و محیط) در دایره‌ی ارتباط با خدا، معنی و مفهوم واقعی خود را می‌یابد. ارتباط سالم انسان با دیگران نیز زمانی مفهوم واقعی خود را می‌یابد که دیگران را در ارتباط با خدا ببینیم و آنان را بندگانی خدا و مخلوقات او بدانیم و قدسیتی که در ارتباط با خدا وجود دارد، بر رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر سایه بیندازد و معنی و مفهوم جدیدی به این روابط ببخشد.

خداوند متعال در قرآن، آفرینش انسان را شاهکار خلقت معرفی می‌کند، به‌گونه‌ی که خالق یکتا با قدرت بی‌نهایتش پس از آفرینش انسان به خود آفرین می‌گوید «تبارک الله احسن الخالقین»^۱ (۱۶)، در آیه‌ی دیگر می‌فرماید «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً...»؛ «کیست که به خدا قرض نیکو بدهد...»^۲ (۳۲). این در جایی است که سخن از قرض انسان‌ها به یکدیگر است. خداوند قرض دادن به انسان‌ها را قرض دادن به خود معرفی می‌کند. علی (علیه‌السلام) در عهدنامه‌اش به مالک اشتر می‌فرماید: اگر با مردم بدرفتاری کنی، سروکارت با خداست و با خدا طرف هستی. «من ظلم عبداً لله کان الله خصمه دون عباده و من خصمه ادحض حجه»؛ «هر که بر بندگان خدای ستم روا دارد خدای را به دشمنی برانگیخته و خدا هر که را دشمن بدارد دلیل و حجتش را تباه سازد» (۳۳). چون به فرمایش امام صادق (ع)، مردم خانواده‌ی خدا هستند. «الناس عیال الله فاحب الخلق الی الله من نفع عیال الله و ادخل علی اهل بیت سرورا» (۳۴).

عمق ارتباط انسان با دیگران، بر این اساس با دیدگاه‌های انسان‌دوستانه مقایسه‌شدنی نیست؛ چه در مقام خدمت به دیگران، که خود را خادم خدا ببینیم و چه در جایی که آسیبی از طرف انسان‌های دیگر به ما وارد شود و جبران‌کننده‌ی این آسیب را خدا ببینیم. درباره‌ی ارتباط با طبیعت نیز سخن این-گونه است؛ زیربنای رابطه‌ی انسان با طبیعت از نگاه آموزه‌های دین اسلام، طبیعت و هستی را با خدا پیوسته دیدن؛ و طبیعت

^۱ ثُمَّ خَلَقْنَا الطُّفَّةَ عَلَئَهُ فَخَلَقْنَا الْعَلَّةَ مُضَعَّةً فَخَلَقْنَا الْمُضَعَّةَ عِظَاماً فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ.

^۲ مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَ يَبْصُطُ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ.

سلامت در فکر و اندیشه لحاظ نمی‌شود، بلکه این سه منشوری سه بُعدی هستند که مکمل یکدیگرند. علاوه بر این، تأکید ویژه بر اهمیت سلامت معنوی، در مقایسه با بُعدهای سه‌گانه‌ی سلامت؛ و سلامت معنوی را بُعدی مستقل دیدن و اینکه سنجش سلامت معنوی از دیدگاه اسلام دارای معیارهای خاص خود است، نه فقط تجلی آن در تأمین سلامت جسم و روان؛ نیز نشان از اهمیت این بُعد از سلامت از نظر اسلام دارد. پیوسته دیدن امر سلامت معنوی به خدا، حکایت از قدسیت، اهمیت و اصالت این بُعد از سلامت انسان دارد و هر تلاشی در این حوزه تلاش مقدسی است که در جهت تحقق سعادت انسان و شکوفا شدن نهال وجودی او در عرصه‌ی حیات طیبه محسوب می‌شود.

علاوه بر این، نتایج پژوهش بیانگر شمول نگرش اسلامی به همه‌ی بُعدهای وجود انسان و در نتیجه به همه‌ی روابط انسانی است. سلامت معنوی که به تحلیل برخی محققان، متشکل از سلامت مذهبی و سلامت وجودی است، از نگاه اسلام از یگدیگر جدا نیستند؛ و می‌توان گفت سلامت معنوی با سلامت مذهبی برابر است. از این رو، توصیه می‌شود در امر درمانگری معنوی به ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی از نگاه اسلام توجه شود. همچنین در تعیین شاخص-های سلامت معنوی بر اساس دیدگاه اسلام، توجه به ساختار مفهومی آن بسیار حائز اهمیت است.

قردانی

این مقاله برگرفته از مطالبی است که نویسنده‌ی اول در همایشی با عنوان «سلامت معنوی در متون دینی (نهج-البلاغه)»، بیان کرده است. همایش یادشده به همت مرکز مطالعات دین و سلامت، مستقر در نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، برگزار شده است. از همه‌ی کسانی که در اجرای این پژوهش ما را یاری کرده‌اند سپاسگزاریم.

References

1. Rezazadeh H. The Investigation and Comparison of Adjustment Mothers of Special Children and Normative Sample. Tehran, Iran: The Faculty of Psychology and Education of Allameh Tabatabaai University; 2008. (Full Text in Persian)
2. Sarabandi A, Kamali M, Mobaraki H. The Relationship between Impaired Visual Function and

چگونگی»، نوشته‌ی فریدون عزیزی است. تعریف ایشان از سلامت معنوی، دارای ویژگی‌های ساختاری نیست و سعی می‌کند از میان تعاریف مختلف تعریفی را که به دیدگاه نویسنده‌ی کتاب نزدیک‌تر است و اشکال کمتری دارد بیان کند. تعریف ایشان نیز با ساختار مفهومی این پژوهش فاصله‌ی چندانی ندارد و با آن سازگار است (۴۱). پژوهش بعدی، پژوهش سپیده امیدواری با عنوان «سلامت معنوی، مفاهیم و چالش‌ها» است (۴۲)؛ در این پژوهش، پس از طرح مسئله‌ی سلامت معنوی، به تاریخچه‌ی سلامت معنوی در مدارک سازمان بهداشت جهانی و نیز به بحث‌هایی که درباره‌ی مفهوم سلامت معنوی میان پژوهشگران این عرصه وجود دارد، می‌پردازد. ایشان به مشکل نبود افتراق بین مفهوم معنویت و سلامت معنوی پرداخته و به دقیق‌نبودن پرسش‌نامه‌هایی که برای سنجش سلامت معنوی به کار می‌رود، اشاره کرده است. تحقیق یاد شده چاره‌ی کار را در رجوع به منبع زلال معنویت می‌داند؛ اما تعریف مشخصی از نگاه اسلام بیان نکرده و به ویژگی‌های ساختاری نیز نپرداخته است؛ به مقداری که نگارنده‌ی این سطور تحقیق کرده، پژوهشگران عرصه‌ی سلامت معنوی، کمتر به بیان ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی پرداخته‌اند؛ درحالی‌که اگر انتظار داشته باشیم در آینده، درباره‌ی تعریف‌های مطرح شده به نوعی وحدت نظر (حداقل در حوزه‌ی آموزه‌های اسلامی) برسیم، گام نخست در این راه بیان ویژگی‌های ساختاری مفهوم سلامت معنوی است.

نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت که در منابع اسلامی، به مسئله‌ی سلامت معنوی به‌طور جدی توجه شده است. همچنین اسلام در تعریف و معرفی شاخص‌ها، دیدگاه‌های ویژه‌ی خود را دارد که وقتی با دیدگاه‌های دیگر مقایسه می‌شود برجستگی این دیدگاه خودنمایی می‌کند.

همچنین نتیجه‌ی پژوهش نشان می‌دهد که اسلام سلامت معنوی را امری به گستره‌ی حیات انسان در دنیا و آخرت می‌داند؛ و نیز سلامت معنوی انسان در دنیا جدای از سلامت او در آخرت نیست، بلکه سلامت معنوی در دنیا، که نسبی است، باید به سلامت معنوی در آخرت که سلامتی مطلق و عاری از هرگونه بیماری است منجر شود وگرنه ارزش زیادی نخواهد داشت؛ و اینکه سلامت معنوی در دیدگاه اسلامی امری سه بُعدی است؛ یعنی سلامت عاطفی و سلامت رفتاری جدای از

- Quality of Life of the Blind. Journal of Research in Rehabilitation. 2013; 8(6): 10-5.(Full Text in Persian)
3. Sadeghpour N. Familiarity to Vision Rehabilitation Process. Journal of Rehabilitation. 2006; 7(3): 62-5. (Full Text in Persian)
 4. Warren DH. Blindness and early childhood development U.S.A: American foundation for the Blind Blindness and early childhood developmen; 1997. (Full Text in Persian)
 5. Mishra P, Vashist K. A review study of spiritual intelligence, stress and well-being of adolescents in 21st century. International Journal of Research in Applied Natural and Social Sciences. 2014;2(4):11-24.
 6. Halder S, Datta P. Insights into Self-Concept of the Adolescents Who Are Visually Impaired in India. International Journal of Special Education. 2012; 27(2): 86-93.
 7. Amram Y. The seven dimensions of spiritual intelligence: An Ecumenical, Grounded Theory. 115th Annual Conference of the American Psychological Association; San Francisco 2007.
 8. Gardner H. A case against spiritual intelligence. The international journal for the psychology of religion. 2000;10(1):27-34.
 9. Noble K. Spiritual intelligence: A new frame of mind. Advanced Development. 2000;9:1-29.
 10. Emmons RA. Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern. The International Journal for the psychology of Religion. 2000;10(1):3-26.
 11. Sisk DA, Torrance EP. Spiritual intelligence: Developing higher consciousness: Creative Education Foundation Press; 2001.
 12. Nasel D. Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence a Consideration of Traditional Christianity and New Age individualistic Spirituality 2004.
 13. King DB. Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure: ProQuest; 2008.
 14. Zohar D, Marshall I, Marshall I. SQ: Connecting with our spiritual intelligence: Bloomsbury Publishing USA; 2000.
 15. Vaughan F. What is spiritual intelligence? Journal of humanistic psychology. 2002;42(2):16-33.
 16. Lotfi M, Sayyari S. The Relationship Between Spiritual Intelligence and Psychological Health in over 15 People in Behshahr. Behshahr, Iran: Payam Noor University; 2008.(Full Text in Persian)
 17. Epstein S. The self-concept revisited: Or a theory of a theory. American psychologist. 1973;28(5):404.
 18. Sappington AA. Adjustment: Theory, research, and personal applications: Brooks/Cole Pub Co; 1989.
 19. Mattson JL, Ollendick T. Translator: Behpazhooh. Enhancing Children's Social Skills: Assessment and Training. Tehran: Ettelaat Publication; 1988. (Full Text in Persian)
 20. Mahmoodi A. A Comparison Between Self-Esteem and Social Skills in Deaf and Blind Secondary Students of Karaj. Journal of Exceptional Education. 2013; 13(117): 20-9.(Full Text in Persian)
 21. Badee' A, Savaari E, Bagheri Dasht Bozorg N, Latifi V. Construction and Validity Finding of Spiritual Intelligence Inventory. The First National Psychology Conference in Payam Noor university of Tabriz; Tabriz; 2010.(Full Text in Persian)
 22. Keihani M. The Role of Computer Games on Changing the Level of Self-Concept and Behavioral Dysfunction in Primary Students of Neyriz City. Marvdasht, Iran: The Faculty of Education and Psychology. Marvdasht Azad University; 2010. (Full Text in Persian)
 23. Corey G. Theory and practice of counseling and psychotherapy: Nelson Education; 2015.
 24. Khodabakhshi-koolae A, Esmaeilifar A, Falsafinejad MR. Comparison of life meaning and hopefulness between spinal cord injuries, blinds, and healthy people in Kerman-Iran. IJRN. 2015; 1(3): 54-64. (Full Text in Persian)
 25. Maleki-Tabar A, Khoshkonesh A, Khodabakhshi-Koolae A. Comparing the self- concept and social adjustment among blind and healthy male student. Zahedan J Res Med Sci (ZJRMS). 2012; 13(1): 33. (Full Text in Persian)
 26. Ghomrani A, Noori, Sh. The comparison of self-concept and its elements between blind and unblind students. Journal of exceptional education. 2005; 45: 2-6. (Full Text in Persian)
 27. Fischer JA, Sousa-Poza A. Does job satisfaction improve the health of workers? New evidence using panel data and objective measures of health. 2008.
 28. Garaigordobil M, Bernarás E. Self-concept, self-esteem, personality traits and psychopathological symptoms in adolescents with and without visual impairment. The Spanish journal of psychology. 2009; 12(01): 149-60.